از گوشه و کنار

عضو ارشد اندیشکده آب دانشگاه شریف:

برای کاهش مصرف آب، دست از آبیاری فضای سبز تهران بردارید

عضو ارشد اندیشکده آب دانشگاه شریف با توصیه به مسئولان شهرداری مبنی بر اینکه «برای کاهش مصرف آب، دست از آبیاری فضای سبز تهران بردارید»، گفت: ۱۶۰ میلیون مترمکعب آب صرف فضای سبز می‌شود و مسئول شهرداری هم به آن افتخار می‌کند. علی حاجی مرادی، در گفت‌وگو با «انتخاب» افزود: ما در شهرهایی با بارش کمتر از ۳۰۰ میلیمتر هیچگاه نباید شاهد فضای سبز چمن باشیم. می‌خواهیم باشد اشکالی ندارد لااقل تامین آب آن از محل تامین آب چاه‌هایی نباشد که امکان تامین آب شرب از آنها وجود دارد. وی ادامه داد: الان تعدادی از چاه‌های تامین کننده آب فضای سبز شهر تهران قابلیت استفاده در تامین آب شرب را دارد، اما به جای اینکه تنش آب شرب مردم را با آن جبران کنیم داریم فضای سبز را تامین می‌کنیم.

۱۵ هزار پزشک به جای طبابت وارد ساخت‌وساز، طلا و بازار زیبایی شده‌اند

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، از افزایش نگران کننده تعداد پزشکانی خبر داد که پس از پایان تحصیل وارد چرخه درمان نمی‌شوند. به گزارش شفقنا، علی‌اصغر باقرزاده گفت: دولت برای تربیت هر پزشک «میلیاردها تومان هزینه می‌کند» اما بخش قابل توجهی از این نیروها «گم شده‌اند» و در بخش‌هایی خارج از پزشکی فعالیت می‌کنند. به گفته او، آمار قطعی نشان می‌دهد بیش از ۱۵ هزار پزشک، و بر اساس تخمین‌های غیررسمی تا ۳۰ هزار نفر، به دلایلی چون مهاجرت یا اشتغال در صنوفی مثل طلافروشی، ساخت‌وساز و خدمات زیبایی از طبابت فاصله گرفته‌اند. او افزود: اگر این روند ادامه پیدا کند، «توزیع ناعادلانه پزشک» تشدید می‌شود و مناطق محروم بیش از گذشته از خدمات درمانی محروم خواهند شد. باقرزاده ضعف درآمد و نبود برنامه‌ریزی برای توزیع مناسب نیروی انسانی را از دلایل اصلی این مهاجرت حرفه‌ای دانست.

جریمه ۲۰۰ هزار تومانی و ابطال معاینه فنی خودروهای دودزا در تهران

رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس راهور تهران بزرگ اعلام کرد: با توجه به اعلام کارگروه اضطرار آلودگی هوا، پلیس علاوه بر ۲۰۰ هزار تومان جریمه، معاینه فنی خودروهای دودزا را ابطال خواهد کرد. به گزارش پلیس راهور پایتخت، سرهنگ علی اصغر شریفی روز شنبه در این باره افزود: علاوه بر این طرح زوج یا فرد از امروز تا چهارشنبه ۵ آذر ماه از درب منازل اجرا می‌شود. وی تاکید کرد: همچنین طی مدت یاد شده با توجه با تردد وسایل نقلیه دودزا برخورد جدی خواهد داشت و برگه معاینه فنی این وسایل نقلیه ابطال خواهد شد. شب گذشته بدلیل افزایش آلودگی هوا در پایتخت، کارگروه اضطرار آلودگی هوای استان تهران تشکیل و فعالیت همه مهدهای کودک و پیش دبستانی استان تهران بجز فیروزکوه از شنبه ۱ آذر تا چهارشنبه پنجم تعطیل اعلام شد. بر اساس تصمیمات اتخاذ شده طرح زوج و فرد شهر تهران نیز از درب منزل اجرا خواهد شد و فروش مجوز روزانه طرح ترافیک توسط شهرداری ممنوع است.

کاهش مدت دوره‌های تحصیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری

وزیر علوم گفت: با اقدامات جدید، طول دوره کارشناسی ارشد یک سال می‌شود و ترم سوم باید پایان‌نامه داده شود. تعداد واحدها هم کم می‌شوند. دکتری نیز از ۴ سال به ۳ سال تقلیل داده خواهد شد. به گزارش وزارت علوم، حسین سیمایی صراف افزود: بناست به‌جای امتحان جامع ۳ جایگزین به دانشجو داده شود، اگر دانشجو نتوانست آن‌ها را انجام دهد باید امتحان جامع دهد. به جای آزمون جامع دانشجو در دوره دکتری یک مقاله پژوهشی یا اختراع می‌تواند داشته باشد. چرا که دانشجو یک‌سال وقت می‌گذارد تا آماده امتحان جامع شود؛ همین زمان را می‌تواند وقت بگذارد و تولید علم انجام دهد. سیمایی با انتقاد از انبوه مقررات زائد در دانشگاه‌ها اظهار کرد: من بسیار متأسفم از این که دانشگاه هم مثل بعضی از سازمان‌های اداری کشور پر از مقررات دست و پاگیر است. یک کارگروه «تسهیل و مقررات‌زدایی» ایجاد کرده و گفته‌ایم در این کارگروه خود دانشجویان باشند؛ ۳ دانشجو، یک معاون آموزشی و یک حقوق‌دان در این کارگروه گرد هم بیایند و ببینند کدام مقررات زائد است، حذفش کنند.

در جلسه شورای ملی تأمین مالی تصویب شد؛

اعطای اقامت به اتباع خارجی در قبال سپرده‌گذاری یا سرمایه‌گذاری

در بیستمین جلسه شورای ملی تأمین مالی، دستورالعمل اعطای اقامت به اتباع خارجی در قبال سپرده‌گذاری یا سرمایه‌گذاری و تعیین سقف ۱۰ میلیارد دلار برای انتشار اوراق بهادار ارزی به تصویب رسید. به گزارش مهر، در این جلسه، «شیوه نامه نحوه تأسیس، فعالیت و نظارت بر عملکرد کارگزاری‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی این مبلغ را برای سال جاری به تصویب رساندند.

مقامات: «عامل انسانی» برافروزنده شعله‌های آتش است

رد زمین‌خواری در تصاویر خاکستری الیت

سعیده علیپور

آتش‌سوزی در جنگل‌های باستانی هیرکانی منطقه الیت مرزن‌آباد، بیشتر از یک فاجعه طبیعی است؛ نشانه آشکاری‌ست از تسلیم میراث ملی در برابر طمع زمین‌خواران و ویلاسازانی که آرام‌آرام ریشه‌های سبز این جنگل‌ها را به‌بناهای لوکس تبدیل می‌کنند. مقامات استانی می‌گویند «عامل انسانی» پشت این شعله‌هاست؛ اما سوال اینجاست؛ چرا وقتی منافع مالی در کار است، محافظت از جنگل با دو بالگرد قرضی و یک هواپیمای نیمه‌فعال آن هم با تاخیری طولانی همراه می‌شود؟ آیا نام این حفاظت است یا پوششی برای دست درازی هر چه‌بیشتر به‌منابع طبیعی؟

هیرکانی؛ جنگلی کهن و آسیب‌پذیر

جنگل‌های هیرکانی، همان نوار سبز متراکم در امتداد دامنه‌های جنوبی دریای خزر، یکی از کهن‌ترین زیست‌بوم‌های روی زمین است. برخی از بخش‌های این جنگل قدمتی چند ده میلیون ساله دارند و از دیدگاه علمی به‌عنوان بقایایی از جنگل‌های دوران سوم زمین‌شناسی شناخته می‌شوند.

از نظر تنوع زیستی، هیرکانی گنجینه‌ای است از گونه‌های گیاهی بومی و درختی. یونسکو برخی بخش‌های این جنگل را به‌عنوان میراث طبیعی جهانی به ثبت رسانده است، اما ثبت رسمی به‌معنای حفاظت کامل نیست؛ چالش‌های مدیریتی، فساد و زمین‌خواری همواره سایه‌به‌سایه این میراث زیستی حرکت کرده‌است.

ضعف در مدیریت بحران و تأخیر اطفا

آتش‌سوزی در الیت از حدود ۱۰ آبان آغاز شد و گزارش‌ها نشان می‌دهند که پس از چند روز مهار اولیه، شعله‌ها دوباره بازگشتند. در حالی که عملیات‌های محلی برای اطفا کمکی به مهار آتش نکرد؛ ۲۰ روز پس از شروع آتش استاندار مازندران، مهدی یونسی رستمی گفت هواپیمای ایلوشین به همراه چندین بالگرد برای آب‌پاشی ارسال شده‌اند.

به گفته فرمانده حفاظت منابع طبیعی غرب مازندران درخواست بالگرد از همان روزهای اول داده شده، اما تأیید یا اعزام آن دیر انجام شده‌است. گزارش‌ها همچنین حاکی است که حدود ۳۰۰ نفر از محیط‌بانان، اعضای هلال احمر و «همیاران طبیعت» با حداقل تجهیزات پیاده‌راه‌های کوهستانی را طی کرده‌اند تا به نقاط آتش‌خیز برسند، و دست‌کم ۲۰ نفر از آن‌ها دچار مصدومیت شده‌اند.

کارشناسان می‌گویند آتش فقط در کف جنگل نبوده؛ تاج درختان نیز درگیر شده‌اند، که نشان از آسیب عمیق‌تری به اکوسیستم دارد. در نهایت، همه این‌ها یک پرسش اساسی را پیش می‌کشد: چرا زمانی که یک میراث طبیعی این‌چنین به‌خطر می‌افتد، امکانات جدی، سریع و محلی برای مقابله فراهم نشده‌اند؟

درخواست برای کمک بین‌المللی

در بحبوحه شعله‌ها، مقامات محلی مجبور شدند روی گزینه کمک خارجی حساب کنند. گزارش‌ها از رایزنی با ترکیه برای ارسال هواپیماهای اطفایی خبر می‌دهند و برخی منابع هم از «آمادگی روسیه و بلاروس» برای همکاری در مهار آتش صحبت کرده‌اند.

از سوی دیگر، سخنگوی دولت تلاش کرده به افکار عمومی اطمینان بدهد که «تمام ظرفیت‌ها بسیج شده‌اند». اما وقتی این حرف با واقعیت میدانی یعنی تأخیر بالگردها، دشواری دسترسی، امکانات محدود محلی بررسی می‌شود، این اطمینان بیشتر شبیه پوششی است برای پنهان کردن فقدان اراده جدی در حفاظت از جنگل.

آتش‌بخشی از بازی زمین‌خواری است؟

مقام‌های محلی و کشوری بارها بر «عامل انسانی» آتش الیت تأکید کرده‌اند. استاندار مازندران و رئیس سازمان جنگل‌ها گفته‌اند نتایج اولیه بررسی‌های امنیتی و محیط‌زیستی نشان می‌دهد دخالت انسان در آتش‌سوزی بسیار محتمل است.

رئیس سازمان جنگل‌ها، رضا افلاطونی، به صراحت اشاره کرده که کارشناسان در منطقه برای «رصد عوامل منتسب به زمین‌خواری» حاضرند. این تأکید نشان می‌دهد که آتش الیت فقط یک حادثه طبیعی نیست، بلکه ممکن است بخشی از یک بازی بزرگ‌تر زمین‌خواری باشد، که در آن طمع اقتصادی با ضعف نهادی ترکیب شده‌است.

بسیاری از کارشناسان معتقدند ترکیب زمین‌خواری، آتش و منافع رانتی، اگر به‌درستی پیگیری نشود، می‌تواند تبعات طولانی‌مدت برای جنگل هیرکانی داشته باشد: وقتی زمین‌خواران بدانند که آتش به نفع‌شان عمل می‌کند یا لااقل بدون مقاومت جدی می‌ماند، انگیزه‌شان برای تغییر کاربری، تصرف و ویلاسازی در نقاط حساس جنگلی قوی‌تر خواهد شد.

زمین‌خواری در شمال بحران ساختاری‌ست

زمین‌خواری در جنگل‌های شمال ایران، به‌ویژه در مناطق هیرکانی، پدیده جدیدی نیست؛ این بحران ریشه در شبکه‌های محلی، قدرت سیاسی و فساد دارد. خبرگزاری مهر گزارش داده که با وجود ثبت یونسکویی هیرکانی، پدیده زمین‌خواری در این ناحیه گسترش یافته و بسیاری از اراضی ملی به دست سودجویان افتاده‌اند.

یکی از مکانیسم‌های پیچیده زمین‌خواری اخیر، توافق‌های ظاهرا مدنی با مقامات استانی است. در یک نمونه جنجالی در مازندران، اعلام شده بیش از ۶۰ هکتار از اراضی شالیزاری یا جنگلی به شرکت مدیریت پسماند واگذار شده‌اند، در ازای تعهد به ساماندهی پسماند شهری، اما این واگذاری در واقع مسیر تغییر کاربری به ویلا را هموار کرده است. در گزارش‌های رسانه‌ای آمده که برخی از مجوزهای این قرارداد با امضای مقام‌های قضایی و اجرایی استان (استاندار و رئیس دادگستری) تأیید شده‌اند.

این موضوع نشان می‌دهد مسأله فقط زمین‌خواری خرد نیست؛ بلکه «ماجرای آقازاده‌ها» و «رانت‌خواری» در دل جنگل‌های مازندران بسیار پررنگ است. این روایت نشان می‌دهد که زمین‌خواری در شمال، اغلب با نیروی سیاسی همراه است: کسانی که با قدرت محلی یا نهادهای تصمیم‌گیر رابطه دارند، می‌توانند زمین‌های جنگلی را به ملک شخصی تبدیل کنند.

اخبار دیگر هم از تغییرات ساختاری خطرناکی در زیست‌بوم هیرکانی خبر می‌دهند: بر اساس گزارش تسنیم، بخش مهمی از اراضی جنگلی به کاربری ویلا و شهرک‌های گردشگری تغییر یافته‌اند، و در این میان نظارت نهادهای دولتی ناکافی، تضاد منافع و ضعف نظارتی آشکار است.

تبعات اکولوژیکی زمین‌خواری

زمین‌خواری در هیرکانی تبعات زیست‌محیطی عمیقی دارد که فقط به تغییر مالکیت خلاصه نمی‌شود؛ وقتی بخش‌هایی از جنگل برای ویلا یا شهرک قطع می‌شود، زیست‌بوم یکپارچه آن خرد می‌شود. این گسست باعث می‌شود گونه‌هایی که به فضای گسترده نیاز دارند (پستانداران بزرگ و پرندگان جنگلی) نتوانند زیستگاه مناسب خود را حفظ کنند.

> **ترکیب زمین‌خواری، آتش و منافع رانتی، اگر به‌درستی پیگیری نشود، می‌تواند تبعات طولانی‌مدت برای جنگل هیرکانی داشته باشد. وقتی زمین‌خواران بدانند که آتش به نفع‌شان عمل می‌کند، انگیزه‌شان برای تغییر کاربری، تصرف و ویلاسازی در نقاط حساس جنگلی قوی‌تر خواهد شد**

همچنین مطالعات محلی نشان داده‌اند که با افزایش ساخت‌وساز و تغییر کاربری، ترکیب گونه‌ای جنگل تغییر می‌کند؛ گونه‌های بومی یا حساس‌تر ممکن است کاهش یابند یا حتی محو شوند. از سوی دیگر ویلاسازی و تغییر کاربری باعث کاهش پوشش گیاهی، آسیب خاک و کاهش نفوذپذیری آن می‌شود. این مسئله مقاومت جنگل را در برابر سیلاب و فرسایش کم می‌کند و پایداری اکوسیستم را تضعیف می‌کند.

نهادها، شوراها و مافیای زمین‌خواری

زمین‌خواری در هیرکانی صرفاً یک معضل زیست‌محیطی نیست؛ بیماری نهادی است. نگاهی به گزارش‌های مختلف رسانه‌ها نشان می‌دهد که برخی اعضای شوراهای محلی، مسئولان شهری و آقازاده‌ها نقش موثری در صدور مجوز تغییر کاربری اراضی جنگلی داشته‌اند. در بسیاری از گزارش‌ها تأکید شده که نهادهای متولی (منابع طبیعی، بنیاد مسکن، شهرداری، جهاد کشاورزی) در هم‌پوشانی اختیاراتشان دچار تعارض منافع‌اند و هیچ یک مسئولیت واقعی و مؤثر برای جلوگیری از ساخت‌وساز غیرقانونی ندارند. منابع محلی معتقدند زمین‌خواری در شمال ایران یک جریان رانتی سازمان‌یافته است، نه صرفاً تصرفات پراکنده. منافع اقتصادیِ کلان، نفوذ سیاسی و ضعف نظارت نهادی، همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا مناطق حساس جنگلی به محلی برای سرمایه‌گذاری شخصی تبدیل شوند.

> **مقام‌های محلی و کشوری بارها بر «عامل انسانی» آتش الیت تأکید کرده‌اند. استاندار مازندران و رئیس سازمان جنگل‌ها گفته‌اند نتایج اولیه بررسی‌های امنیتی و محیط‌زیستی نشان می‌دهد دخالت انسان در آتش‌سوزی بسیار محتمل است**

> **منافع اقتصادیِ کلان، نفوذ سیاسی و ضعف نظارت نهادی، همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا مناطق حساس جنگلی به محلی برای سرمایه‌گذاری شخصی تبدیل شوند**

پیوند آتش‌سوزی و زمین‌خواری

آتش‌سوزی در الیت و زمین‌خواری هیرکانی، اگر جدا دیده شوند، هر دو مشکل بزرگی‌اند؛ ولی وقتی با هم تجمیع شوند، تصویری ترسناک‌تر از بحران در برابر ما قرار می‌گیرد:

وقتی بخشی از جنگل می‌سوزد، نهادهای رسمی عملاً توان و اختیار مؤثری برای بازپس‌گیری آن ندارند و مسیر برای تصرف‌های بعدی باز‌تر می‌شود. زمین‌خواران می‌توانند از وضعیت آسیب‌دیده بهره‌برداری کنند و تصرفات غیرقانونی‌شان را تثبیت کنند. ضعف سیستم اطفای حریق این وضعیت را تشدید می‌کند: وقتی نیروهای رسمی نتوانند شعله‌ها را سریع و مؤثر مهار کنند، زمین‌خواران زمان بیشتری برای تثبیت ساختمان‌ها، ویلاها یا تغییر کاربری‌های غیرقانونی در جنگل پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، آتش‌سوزی نه‌تنها خسارت مستقیم وارد می‌کند، بلکه به‌ابزار فشار و فرصت اقتصادی برای متخلفان بدل می‌شود.

همچنین، آتش‌سوزی می‌تواند موجب افزایش «ارزش سرمایه‌گذاری» شود: بعد از حریق، برخی از زمین‌ها ممکن است با هزینه کمتر تغییر کاربری یابند یا برای ساخت ویلا مناسب‌تر شوند.

و در نهایت، چنین ترکیبی از آتش و زمین‌خواری، اعتماد عمومی به نهادهای محیط‌زیستی و دولتی را برای همیشه تضعیف می‌کند؛ وقتی مردم ببینند میراث طبیعی یک کشور نه در اولویت حفاظت واقعی قرار دارد، بلکه کالایی برای معامله رانت‌جویان شده است، انگیزه آن‌ها برای مشارکت در حفاظت کاهش می‌یابد.

آتش‌سوزی الیت فقط آغاز است

آتش‌سوزی الیت مرزن‌آباد، بیش از آن که یک حادثه طبیعی محض باشد، پرده‌ای‌ست که بخشی از یک تراژدی زیست‌محیطی بزرگ‌تر را برملا می‌کند: تراژدی زمین‌خواری در قلب جنگل‌های هیرکانی. وقتی ویلاسازان و زمین‌خواران با رانت سیاسی و ضعف نظارتی در جنگلی با قدمت چند ده میلیون سال نفوذ می‌کنند، و همزمان ادوات اطفای حریق جدی و مؤثر روی زمین نیست، میراث طبیعی کشور در معرض خطر بنیادین قرار دارد.

اگر فقط بعد از آتش فریاد زده شود ولی اقدامات ساختاری برای جلوگیری از تکرار آن انجام نشود، ممکن است آتش‌های بعدی، آخرین شعله‌ها بر تتمه این اکوسیستم بکر باشد؛ میراثی که نه فقط برای ما، بلکه برای نسل‌های آینده به اندازه‌ای ارزشمند است که محافظت آن باید نه فقط آرزو، بلکه مسئولیتی مهم باشد.

گزارش

در نشستی با موضوع فرزندخواندگی مطرح شد

آمار درخواست فسخ سرپرستی زیاد شده است

پشتِ صف‌های طولانی متقاضیان فرزندخواندگی، واقعیتی پنهان جریان دارد: افزایش قابل‌توجه درخواست‌های فسخ سرپرستی. همان خانواده‌هایی که برای گرفتن یک نوزادِ دخترِ سالم گاهی ماه‌ها انتظار می‌کشند، در نخستین پیچِ مشکلات تربیتی و پزشکی، عقب‌نشینی می‌کنند و کودکی که قرار بود «گرمای خانه» باشد دوباره به مرکز بهزیستی برمی‌گردد.

وکیل و فعال حقوق کودک، در «کافه‌خبر» خبرآنلاین، درباره افزایش درخواست‌های فسخ سرپرستی هشدار داد. او گفت نبود آموزش، اطلاع‌رسانی ناقص، و برخورد گزینشی خانواده‌ها با مفهوم فرزندخواندگی باعث شده بسیاری از کودکان در مسیر واگذاری دوباره به مراکز برگردند. کودکانی که یک‌بار طعم خانواده را چشیده‌اند، جدایی دوباره را با ضربه‌ای دوچندان تجربه می‌کنند.

مونیکا نادی، افزود: «بخشی از آمار بالای فسخ سرپرستی ناشی از آن است که خانواده‌ها تنها با رؤیای نوزاد وارد ماجرا می‌شوند و با واقعیت کودک - با همه پیچیدگی‌هایش - آشنا نیستند.»

سیدحسن موسوی‌چلک، معاون سازمان بهزیستی، نیز در سالن کوچک «کافه‌خبر»، با اشاره به رشد تقاضا گفت: طی سال‌های اخیر متقاضیان فرزندخواندگی دو برابر شده‌اند و «به‌طور میانگین به‌ازای هر ۲۲ خانواده یک کودک قابل واگذاری وجود دارد». جمله‌ای که در ظاهر از «روی خوش» ماجرا خبر می‌دهد؛ اما با کمی فاصله گرفتن از آمار، شکاف‌ها خودش را نشان می‌دهد. موسوی افزود که پس از قانون ۱۳۹۲، فرهنگ فرزندپذیری تقویت شد و مشکلات ناباروری و تغییر ساختار خانواده‌ها هم باعث شد زوج‌های بیشتری به سراغ این مسیر بیایند.

وقتی از او پرسیده شد چرا از میان هزاران کودک تحت پوشش بهزیستی تنها ۱۵ درصد قابل واگذاری‌اند، توضیح داد که اکثریت این کودکان بدسرپرست‌اند و قانون اجازه فرزندخواندگی دائمی‌شان را نمی‌دهد. او با لحنی که می‌کوشید واقعیت را ساده نگه دارد ادامه داد که برای این گروه «پدر یا مادر معلوم‌اند» و همین کافی‌ست تا دست بهزیستی بسته باشد؛ حتی اگر والدین عملاً هیچ نقشی در زندگی کودک نداشته باشند.

نادی، نیز در ادامه گفت: اکثر متقاضیان به‌دنبال «نوزاد، دختر و سالم» هستند و ترجیح می‌دهند کودکی را بگیرند که هیچ خانواده زیستی نداشته باشد. او با قاطعیت افزود: «این رویکرد برای رفع نیازهای خانواده است نه حمایت از کودک.» توضیحش ساده بود: کودکان دارای معلولیت، بیماری‌های ذهنی یا جسمی، و کودکانی که سابقه بدسرپرستی دارند، کمترین شانس واگذاری را دارند و سال‌ها در مراکز بهزیستی می‌مانند.

او وقتی از سخت‌گیری گفت، منظورش بروکراسی نبود؛ برعکس تأکید کرد که «برای تحویل کودک باید سخت گرفت» چون بسیاری از خانواده‌های متقاضی واقعاً نمی‌دانند قرار است وارد چه نوع رابطه‌ای شوند.

نظارت پس از واگذاری

موسوی‌چلک اعلام کرد که موافق نظارت ماهانه نیست و آن را دخالت‌آمیز می‌داند. او گفت خانواده‌ای که کودک را پذیرفته، اگر هر ماه مورد بازدید قرار گیرد طبیعی است که واکنش منفی نشان بدهد و این بازدیدها هم لزوماً تصویر دقیقی ارائه نمی‌دهد. راه‌حل پیشنهادی او «مراکز ارتباطی» بود؛ فضاهایی که والدین برای مشاوره و خدمات تربیتی مراجعه می‌کنند و از دل این مراجعه‌ها می‌توان کیفیت سرپرستی را سنجید. با این حال موسوی پذیرفت که «در نظارت ضعف‌هایی داریم» و باید اصلاح شود.

حوزه حقوق کیفری فرزندخواندگی

نادی یادآور شد والدینِ فرزندخوانده «ولی‌دم» محسوب نمی‌شوند و در پرونده‌های کیفری، مانند قتل، نقش قانونی ندارند. نمونه‌ای از قتل دختر خوانده‌ای را مطرح کرد که پدر و مادر خوانده‌اش عملاً در روند قضایی نقشی نداشتند. از نگاه او اصلاح این موارد ضروری است تا فرزندخوانده از جایگاه واقعی یک عضو خانواده برخوردار شود.

نظام قانونی فرزندخواندگی در ایران اما سایه سنگین‌تری نیز دارد: ماده‌ای که امکان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده را مجاز می‌داند. ماده‌ای که در سال‌های گذشته به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته و حالا موسوی‌چلک می‌گوید یکی از دلایل تأخیر دوساله ابلاغ قانون همین بند بود. او گفت تاکنون هیچ موردی گزارش نشده و شاید بهتر بود همچون قانون ۵۳ اصلاً وارد متن قانون نمی‌شد. نادی نیز تأکید کرد صرف وجود چنین ماده‌ای با فرهنگ جامعه تعارض دارد؛ حتی اگر در عمل اجرا نشود.

در این میان، موسوی‌چلک نتیجه‌گیری خوش‌بینانه‌تری داشت. او گفت تعامل میان نظام حقوقی و رویکرد اجتماعی نسبت به گذشته بهتر شده و بسیاری از گره‌های اجرایی در حال حل شدن است. اما نادی توضیح داد که پیشرفت‌های حقوقی کافی نیست و تا زمانی که بهزیستی بودجه و نیروی انسانی لازم را نداشته باشد، نظارت و آموزش ناقص خواهد ماند و داستانِ بازگشت کودکان تکرار می‌شود.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان نور آباد–سری (۳۴۰) جمعی

شناسه آگهی: ۲۰۵۳۳۲۲

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نورآباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ – تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۹۴۸۰,۳۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رستم فرزند مهدی»

۲- تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۸۲۵۵,۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خانم ها خاور بانو مهدیان و نه نه خانم سلطان پناه»

۳- تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۸۳۹,۶۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «طاهر و خنجر فرزندان کلبعلی»

۴ - تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۸۶۱,۳۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رشید فرزند نریمان»

۵ - تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۳۳۶,۱۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رشید فرزند نریمان»

۶- تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۳۴۶,۷۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رشید فرزند نریمان»

۷ - تقاضای «علی پاشه جوزی سرابی» فرزند «شاعباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۲۶۰,۴۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴» فرعی از «۲۷۱» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رشید فرزند نریمان»

۸ - تقاضای «نیم تاج خانه باز» فرزند «عباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۰۰۲,۴۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد یار یاری»

۹ - تقاضای «نیم تاج خانه باز» فرزند «عباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۹۱۶,۳۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدیار یاری»

۱۰- تقاضای «نیم تاج خانه باز» فرزند «عباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۶۹۷,۴۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۲۷۲» اصلی واقع در بخش «۱۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدیار یاری»

شماره نامه: ۳۰۳۱/۰۱۴۰۴/۶/۱۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

حسین خزایی – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نور آباد